

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحتیسی از «درآمدی بر علم رجال»

ترجمه و تحقیق مقدمه

«معجم رجال الحديث»

آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی (ره)

ترجمه و تحقیق

عبدالهادی فقهی زاده

آدرس: تهران_ خیابان انقلاب_ خیابان قدس_ خیابان بزرگمهر_ پلاک ۸۵

سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور

تلفن:

۰۲۱-۶۶۴۸۵۶۶۳

هرگونه کپی برداری از این جزو شرعاً جایز نیست

چکیده کتاب درآمدی بر علم رجال

درآمدی بر علم رجال ترجمه مقدمات شش گانه کتاب ۲۳ جلدی معجم رجال الحدیث است که مؤلف آن در مقدمه اول کتاب، ضمن بیان ضرورت مراجعه به علم رجال در استنباط احکام شرعی، با دلایل روشن به ابطال دیدگاهی پرداخته که کتب اربعه را قطعی الصدور می‌داند.

وی در مقدمه دوم، مهمترین معیارهای تشخیص وثاقت یا حُسن راویان را؛ ۱- تصریح معصوم، ۲- تصریح یکی از بزرگان متقدم یا متأخر ۳- ادعای اجماع از سوی اقدمین برشمرده است.

مؤلف در مقدمه سوم و چهارم، اثبات کرده است که توثیقات تضمّنی با توثیقات مطابقه‌ای هم پایه‌اند. چنان که به نفی دلالت توثیق در برخی اظهارات علماء که گروهی از دانشمندان از آن‌ها مفهوم توثیق همگانی فهمیده‌اند، پرداخته است.

در مقدمه پنجم، صحّت احادیث کلیت احادیث کتب اربعه را مورد تردید قرار داده و اثبات کرده است که در آن موارد نیز برای تشخیص سره از ناسره باید به بررسی هر یک از احادیث از حیث سند پرداخت. مؤلف سرانجام در مقدمه ششم با معرفی اجمالی کتب اصلی علم رجال، در نسبت کتاب «الضعفاء» به ابن غضائیری تشکیک و اثبات کرده است که مخالفان شیعه آن را برساخته و به او نسبت داده‌اند.

۱. کتب اربعه شیعه؛ الف) کافی نقہ الاسلام کلینی، متوفی ۳۲۹ هـ-ق ب) من لا يحضره الفقيه شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی، متوفی ۳۸۱ هـ-ق ج ۵) تهذیب و استبصار(تهذیبین) شیخ طوسی، متوفی ۴۶۰ هـ-ق

۲. رجال برقی، رجال کشی، رجال شیخ طوسی، فهرست شیخ طوسی، رجال نجاشی

مقدمه اول

دلایل ضرورت مراجعه به علم رجال
بطلان نظرات دال بر انکار نیاز به علم رجال
ابطال دیدگاه قائل به قطعیت صدور کتب اربعه

نیاز به علم رجال

حرمت عمل به ظن^۱، با ادله اربعه (كتاب، سنت، اجماع^۱ و عقل) ثابت شده است؛ چنانکه اگر حکمی با دلیلی قطعی یا با آنچه به دلیل قطعی منتهی می‌شود (مانند: اجماع، خبر واحد و دلیل عقلی) ثابت نشده باشد نمی‌توان آن را به خداوند نسبت داد. {اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْرُونَ} این آیه بیانگر آن است که نسبت دادن چیزی به خداوند، مدام که اذنی از جانب خداوند نرسیده باشد، [در حکم] دروغ بستن به خداوند است.

ادله اربعه ثابت کرده است که ظن^۲، به خودی خود گویای واقعیت نیست و آنجا که حکمی با دلیلی قطعی به قطعیت پیوسته است، ظن^۳ به حکم نمی‌تواند بهانه‌ای برای مخالفت با واقع باشد. آیات ذیل در این زمینه‌اند؟

{وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ} اسراء ۳۶/

{وَ مَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظنًّا إِنَّ الظنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا} یونس ۳۶/

عقل از راهیابی به اثبات احکام شرعی ناتوان است زیرا به انگیزه‌های وضع احکام شرعی، احاطه کافی ندارد.

قرآن کریم هم به همه احکام شرع نپرداخته و هم در بیان عباداتی مانند نماز و روزه و حج و زکات متعرض بیان خصوصیات اجزا، شروط و موانع هر کدام نشده است.

از سوی دیگر اجماع کاشف از قول معصوم(ع) کمیاب است، اجماع غیر کاشف از قول معصوم نیز اساساً حجیت و اعتبار ندارد، زیرا فراتر از «ظن^۴ بی اعتبار» نیست.

^۱. اجماع: اتفاق نظر گروهی است که رأیشان در اثبات حکم شرعی قابل توجه و معتبر است و از نظر شیعه، تنها در صورتی حجت است که کاشف از قول معصوم(ع) باشد.

خلاصه آنکه استنباط حکم شرعی اغلب جز از راه روایات و اخبار رسیده از معصومین(ع) ممکن نیست و راهیابی به ثبوت حکمی شرعی از راه روایت، منوط به اثبات دو اصل است؛

۱- اثبات حجّت خبر واحد؛ اگر به حجّت خبر واحد معتقد نباشیم، کار به بسته شدن «باب علم» و «علمی»^۱ می‌انجامد و در نتیجه چنانکه برخی معتقدند- باید به مرحله‌ی «امثال ظنّی»^۲ یا قائل شدن به حجّت ظنّ و گمان تن دهیم.

۲- اثبات حجّت ظواهر روایات برای ما، افرون بر مخاطبان نخستین. زیرا اگر ظواهر را صرفاً برای مخاطبان نخستین حجت بدانیم و تنها آنان را مخاطب این روایات بدانیم، نمی‌توانیم با ظواهر روایات بر اثبات حکمی از احکام شرع استدلال کنیم. در عین حال هر خبر منتبه به معصوم(ع) صحیح نیست، بلکه تنها احادیث ثقه و حسن^۳ حجتند. تشخیص چنین مواردی هم جز با مراجعه به علم رجال و شناخت احوال راویان و تشخیص ثقه و حسن از ضعیف آنان میسر نیست، چنانکه اگر تنها به حجّت خبر عادل معتقد باشیم، همچنان مراجعه به علم رجال احادیث ضروری است، زیرا اطمینان به عدالت یا وثاقت یک راوی، تقریباً جز با مراجعه به علم رجال میسر نیست.

از سوی دیگر حتی اگر خبر واحد را حجت ندانیم یا حجّت ظهور روایات را مختص مخاطبان نخستین بشماریم و در نتیجه به حجّت «ظنّ انسدادی»^۴ یا تنزل به مرتبه امثالی ظنّ معتقد شویم، همچنان نیاز به شناخت حال راویان پابرجاست، زیرا بی‌گمان، توثیق علمای رجال از راویان یک روایت، موجب پیدایش ظنّ نسبت به صدور آن روایت به شمار می‌رود.

ابطال دیدگاه انکار نیاز به علم رجال

۱. خبر واحد: خبری است که شمار راویان آن به حد تواتر نرسد، چه راوی آن یک نفر باشد یا بیشتر. (مامقانی، تلخیص مقباس الهدایه)

۲. باب علم؛ طریق شناخت قطعی نسبت به احکام واقعی الهی است. اصولیان معتقدند که باب علم، منسد(بسته) است، زیرا شناخت قطعی احکام واقعی تنها از راه معصومان(ع) امکان پذیر است و از این رو، در زمان غیبت، به این منبع دسترسی نیست؛ اما باب علمی پیوسته منفتح است.

۳. باب علمی؛ حصول ظن اطمینانی است در خصوص احکام واقعی، براساس قواعد علمی. مانند؛ حجّت خبر واحد

۴. امثال ظنی؛ در جایی است که شخص گمان می‌کند چیزی مکلف^۵ است و آن را انجام می‌دهد.

۵. حسن: خبر متصلی است که تمامی افراد زنجیره سند آن امامی مذهب و ممدوح باشند ولی به عدالت آنان تصريح نشده باشد بدون اینکه این مدح با نکوهشی معارض گردد. (مامقانی، تلخیص مقباس الهدایه)

۶. ظن انسدادی: ظن به حرمت، وجوب و ... احکامی است که به عقیده گروهی با فرض بسته بودن باب علم، حجت است.

برخی از متأخران با این توهمندی که هر حدیثی که مشهور علماء به آن عمل کرده باشند حجت است و هر روایت را که وانهاده باشند بی اعتبار است، چه راویان آن ثقه باشند یا ضعیف، به انکار نیاز به علم رجال پرداخته‌اند؛ حال آنکه به فرض پذیرش کلیت این ادعا، نیاز به علم رجال همچنان بر جای خود باقی است، زیرا؛ در پاره‌ای از مسائل راهی برای دستیابی به فتواهای مشهور نیست چون شهرت عمل را یادآور نشده‌اند، در پاره‌ای دیگر از مسائل اساساً شهرت فتوایی^۱ بر عمل یا ترک آن‌ها واقعیت ندارد و از این حیث دو کفه عمل و ترک با هم مساویند. در پاره‌ای از مسائل نیز [شهرت فتوایی هست، اما] یکی از آن دو از دیگری مشهورتر است و چنان نیست که در تمامی مسائل فقهی لزوماً یکی از دو قول یا یکی از آن اقوال مشهور باشد و نظر مقابل همواره شاذ و نادر محسوب گردد. [بلکه یک قول مشهور و دیگری مشهورتر است.]

از این گذشته، حتی اگر صدور همه احادیث کتب اربعه را قطعی بدانیم مراجعه به علم رجال همچنان ضرورت دارد زیرا ادلہ احکام شرعی صرفاً به کتب اربعه اختصاص ندارد و حداقل در تشخیص اعتبار یا عدم اعتبار روایات دیگر-غیر از آنچه در کتب اربعه مندرج است- به علم رجال نیازمندیم.^۲

عدم قطعیت صدور روایات کتب اربعه
گروهی از محدثان بر این باورند که احادیث کتب اربعه از قطعیت صدور از معصوم(ع)
برخوردارند، این گفتار از اساس باطل است. زیرا نمی‌توان درباره روایتی که فردی از دیگری نقل

۱. شهرت فتوایی: شیوع فتوایی خاص در میان فقهاءست، به طوری که به درجه اجماع نرسد.

۲. دلایل طرفداران نیاز به علم رجال به طور کلی عبارتند از: ۱- حجیت خبر ثقه بر اساس مفهوم آیه ششم سوره حجرات { ... إنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ فَنَبِّئُوهُ...}. ۲- لزوم مراجعه به احوال راویان احادیث در اخبار علاجیه برای حل بعضی از تعارضات روایی. ۳- وجود جاعلان و واضعان حدیث در میان راویان. ۴- وجود عده‌ای از راویان سنی مذهب در میان راویان. ۵- تاثیر توثیق رجالیان در حصول ظن به صدور روایات. ۶- اتفاق نظر بیشتر علمای شیعه بر کارانی علم رجال و نیاز به آن. (کلیات فی علم الرجال، سبحانی) چنان که دلایل مخالفان نیاز به علم رجال نیز به طور کلی عبارتند از: ۱- قطعیت صدور روایات کتب اربعه و گواهی کلینی، شیخ صدوقد و شیخ طوسی به صدور روایات کتب خود از معصومان(ع) بر اساس قرائت صحبت. ۲- اعتقاد به نظریه امکان جبران ضعف سند به واسطه عمل به روایات مشهور در میان علمای شیعه. ۳- اختلاف نظر علمای شیعه درباره معنای عدالت و فسق و عدم وجود طریقی مطمئن برای وصول به هدف در این زمینه. ۴- عدم وجود شرایط صحبت شهادت(=گواهی) به سبب عدم معاصرت رجالیان با راویان حدیث و حدسی بودن اظهار نظرهای آنان. ۵- توثیق همگانی راویان و رجال احادیث در کتب اربعه از سوی مؤلفان آنها. ۶- بدگویی از راویان حدیث و برخلا کردن نقاط ضعف فکری و عملی آنان که با طریقه اخلاقی در اسلام سازگار نیست. (همان)